

از

در پامی امر کبالی

قطره فی

دکتر سیح فرحنگی

مؤسسه ملی مطبوعات امری

۱۳۰۰ - بیخ

بہائی کیسٹ و اعتقادش چیست

بہائی یعنی پیرو حضرت بہاء اللہ

حضرت بہاء اللہ معلم الہی و مروج حقیقت ، بنیانگذار صلح عمومی و مؤسس وحدت عالم انسانی است .
بہائیان معتقدند کہ ہر فرد انسان باید خود آزادانہ حقیقت جو باشد . بہائی بہ وحدت خدا ، وحدت اساس ادیان و وحدت عالم انسانی معتقد است .
حضرت بہاء اللہ مفرماند :

” ہر بار یکدارید و برگ یک شاخسار

بعضی از تعالیم دیگر حضرت بہاء اللہ از این قرار است :

- دین باید سبب الفت و محبت باشد .
- دین باید با علم و عقل مطابق باشد .
- ہر نوع تعصب جاہلانہ بنیان انسانی را ویران میسازد .
- اوہام و تقالید مانع درک حقیقت است .
- زنان و مردان مانند دو بالند برای ہیکل جامعہ انسانی .
- فضیلت انسان در خدمت و کمال است نہ در ثروت و مال .
- اسس اساس سیئات نادانی و جہالت است .
- مشکلات اقتصاد ی باید با توجہ با اصول و مبادی روحانی حل شود .

افراد بشر در حقوق انسانی و اجتماعی مساوی هستند .
آنچه معدوم است از آثار الفت است آنچه ویران است
نتیجه بغض و عداوت .

بشر هر قدر ترقی کند باز محتاج تربیت است .

تربیت روحانی بر تعلیم علوم و فنون متمدن است .

یک محکمه کبری باید تأسیس شود تا مشکلات و اختلافات

ملتها و دولتها را رسیدگی و حل نماید .

وحدت زبان سبب رفع سوء تفاهات میشود .

بهاشیا نادر هر کشوری ماکن باشند در کمال صداقت

روزناری مطیع حکومت هستند .

۱- حضرت باب

حضرت باب از خاندان رسالت بود و در پنجم

جهدی الاولی ۱۲۶۰ هجری قمری مطابق ۲۳ مئی

۱۸۴۴ میلادی در سن بیست و پنج سالگی در شهر شبریز

دعوی خود را اظهار داشت . خود را باب نامید بعضی

" در " برای شناسائی ظهور جدید که مقصودش ظهور

حضرت بهاء الله بود . حضرت باب اول بار ادعای خود را به ملاحسین بشرویه ای که از ظما بود اظهار فرمود و بعد از او هفده نفر دیگر بتدریج حضرت باب را شناخته مؤمن شدند این هجده نفر بنام حروف حی نامیده شدند و از حضرت باب مأوریت یافتند تا مزده ظهور جدید راه مردم برسانند .

حضرت باب گرفتار تعصب علما زمان شد و پیروانش نیز در چنگ عوام افتادند . ولی بسرعت امرش انتشار یافت بالاخره در سال ۱۲۶۶ هجری قمری ایشانرا در شهر تبریز روز ۲۸ شعبان ۱۲۶۶ مطابق ۹ جولای ۱۸۵۰ در سن سی و یکسالگی تیرباران و شهید شدند .

حضرت باب که مبشر ظهور حضرت بهاء الله بودند خود از معلمین الهی و مظهر ظهوری مستقل بودند . شریعتی بنام شریعت باهی تأسیس فرمودند از جمله کتابهای ایشان کتاب " بیان " است که در آن بطور خیلی روشن بظهور حضرت بهاء الله بشارت دادند .

٢- حضرت بهاء الله

—————

موجود نکل کتب و همان ظهوری بودند که حضرت باب‌بان مزده میداد . از ابتدای اظهار امر حضرت باب گرفتار شدند و در حبس افتادند و تبعید شدند و تا آخر عمر در نغی و زندان بسر بردند در روز اول اردیبهشت ماه سال ۱۲۷۹ هجری قمری مطابق ۲۱ آوریل ۱۸۶۳ یعنی ۱۹ سال بعد از بعثت حضرت باب در باغ رضوان در بغداد طناً مأوریت الهی خود را اظهار فرمودند . حضرت بهاء الله طی مدت چهل سال نغی و اسارت و حبس ، شریعت بهائی را تأسیس و پیام آسمانی خود را به جهانیان ابلاغ فرمودند از همین آثارشان از همه مهتر کتاب اقدس و کتاب عهدی که در آن بصراحت مقام حضرت عبدالبهاء فرزند ارشدشان را معلوم و ایشان را صبیح تعالیم خویش معرفی نموده اند و الواح ملوک را که خطاب به زمامداران و سلاطین زمان خود مرقوم داشته اند ذکر مینمائیم . حضرت بهاء الله مقصد اصلی خود را از تأسیس این شریعت ایجاب وحدت عالم انسانی و تأسیس صلح عمومی بیان فرموده اند

و بمنظور حفظ وحدت اصلیة عهدی بابشر تأسیس فرمودند که در آن تبیین احکام و تعالیم خویش را بعد از حیات عنصری خویش منحصرأً به حضرت عبدالبهاء تفویض داشته و شرح و توضیح مؤسماتی که باید در عالم بهائی تأسیس یابد بعهده ایشان گذاشته اند . حضرت بهاء الله در روز هفتم نوروز سال ۱۳۰۹ هجری مطابق ۲۹ می ۱۸۹۲ میلادی در اراضی مقدسه صعود فرمودند .

۳- حضرت عبدالبهاء



عبدالبهاء یعنی بنده جلال خدا ایشان پسر ارشد حضرت بهاء الله هستند که از ۹ سالگی در خدمت پدر بزرگوار خود گرفتار اسارت و نغی و زندان بودند . مدت قریب شصت سال از عمر خود را باین نحو گذراندند و چون پس از قیام جوانان آزادی خواه ترك در سال ۱۹۰۸ از زندان سلطان عثمانی آزاد شدند در سال ۱۹۱۱ میلادی به اروپا و آمریکا سفر نمودند و چند سال با وجود ضعف و بیماری در آن نواحی سفر نمودند و به نشر تعالیم حضرت بهاء الله پرداختند . حضرت عبدالبهاء آثار زیادی از خود بیادگار گذاشتند که در آن مطالب مهمه الهیه

را تبیین و تشریح فرمودند . از جمله آثار مهمه ایشان
الواح وصایا و فرامین تبلیغی میباشد . در الواح وصایا
برای ادامه و حفظ وحدت اصلیه مقام ولایت امر را تصریح
و وظائف ایادی امرالله را تعیین و نظم جهانی بهائی
را توضیح فرموده بهائیان را به اطاعت ولی امرالله
و بیت العدل اعظم مأمور و مکلف و جمیع افراد بهائی را به
ترویج و تبلیغ تعالیم حضرت بهاء الله موظف فرمودند
و تاکید صریح بر اطاعت حکومت و عدم مداخله در امور
سیاست فرموده بهائیان را به دعای خیر و رعایت نهایت
وفا و صداقت در حق پادشاهان مأمور نمودند .

فرامین تبلیغی عبارت از ۱۴ لوح هستند که حضرت
عبدالبهاء خطاب به احبای ممالک متحده امریکای شمالی
و کانادا مرقوم داشته ایشان را به سیر و سفرهای تبلیغی
جهت نشر تعالیم حضرت بهاء الله با طرف و اکناف
جهان مأمور میفرمایند و در آن الواح روش تبلیغ را تعلیم و
صفات مبلغین را تشریح و خصائل حواریون بهاء الله را
توضیح و کلیه بهائیان را بخدمت عالم انسانی و عمل بموجب
تعالیم الهی تشویق میفرمایند و نقشه های الهی را در فتح
قلوب ملل جهان تعیین میکنند این فرامین بمنزله منشور
تبلیغی محسوب اند .

از روی این منشور الهی است که نقشه های ملی و بین المللی ۱۰ ساله و ۹ ساله بهائی پی ریزی شده و نقشه های تبلیغی آینده تعیین خواهد گردید .

بالاخره حضرت عبدالبهاء در هفتاد و هفت سالگی در شب ۷ آذرماه سال ۱۳۰۰ هجری شمسی مطابق ۲۸ نوامبر ۱۹۲۱ میلادی در اراضی مقدسه صعود بهالسم بالا فرمودند .

۴ - حضرت ولی امرالله

حضرت عبدالبهاء نیز برای حفظ وحدت جامعه الواح وصایا را مرقوم فرمودند و در آن الواح حضرت شوقی افندی ربانی نوه ارشد خود را بعنوان ولی امرالله تعیین نمودند و مقام ایشان را چنین بیان داشتند :

" نحن ممتاز ، آية الله ، ولی امرالله ، ومرجع جمیع اقصان و اغنان و ایادی امرالله و احبباء الله " .

و همچنین " مبین امرالله و من بعدد بکراً بعد بکر یعنی : در سلاله او " .

حضرت ولی امرالله طبق الواح وصایا نظم جهانسی بهائی را تشکیل دادند و پایه های بهیت عدل اعظم را یکی

بعد از دیگری برپا داشتند . همچنین طبق فرامین تلیفی نقشه های کلی الهی را که حضرت عبدالبهاء طرح فرموده بودند بموقع اجرا در آوردند و ایادی امرالله را طبق همان الواح تعیین فرمودند و وظائف مرقومه در الواح وصایا را بایشان محول داشتند .

حضرت ولی امرالله در نوامبر سال ۱۹۵۷ صمد فرمودند و چون اولادی نداشتند تا طبق الواح وصایا جانشین ایشان در ولایت امر باشند لذا همانطور که در الواح وصایا و کتاب اقدس پیش بینی شده بود امور بهائیان به مرجع کل امور یعنی بیت عدل عمومی ارجاع گردیدند و همه بهائیان توجه به بیت عدل نمودند .

۵ - ایادی امرالله

~~~~~

حضرت بهاء الله در باره ایادی امرالله میفرمایند :

التكبير والبهاء والنور والضياء على ايادى امرالله  
الذين نصروا امره فى البلاد والديار اولئك عباد جعلناهم  
مفاتيح ابواب العلم والعرفان فى الامكان \*  
که میفرمایند :

ایادی امرالله کسانی هستند که امر الهی را در بلاد

و دیار یاری میکنند و پندگانی هستند که ایشان را کلید  
 درهای دانائی و شناسائی در عالم قرار دادیم .  
 در الواح وصایا حضرت عبدالبهاء میفرمایند :  
 " وظیفه ایادی امرالله نشر نفعات الله و تربیت نفوس در  
 تعلیم علوم و تحسین اخلاق عموم و تقدیس و تنزیه در جمیع  
 شئون است از اطوار و احوال و کردار و گفتار باید تقوای  
 الهی ظاهر و آشکار باشد ."  
 همچنین در الواح وصایا میفرمایند :

" ایادی امرالله را باید ولی امرالله تسمیه و تعیین کند  
 جمیع باید در ظل او باشند و در تحت حکم او "  
 علاوه بر این دو وظیفه اصلی که حضرات ایادی امرالله  
 بر عهده دارند دو وظیفه دیگر که عبارتست از مساعده ت  
 و معاضدت با محافل ملیه در اجرای نقشه های جهانسی  
 و صیانت و حفظ صحت روحانی جوامع بهائی و تحکیم و تقویت  
 روح ایمان در فرد فرد اعضا جامعه ، از طرف حضرت  
 ولی امرالله بآنان ارجاع شده است .

بیت العدل اعظم که مرجع کل امور است مقرر فرمود که  
 مؤسسه ایادی امرالله ادامه یابد و خدماتش توسعه پذیرد  
 لهذا وظائف مرجوعه این مؤسسه را به هیئت هائی قاره ئی  
 بنام ( هیئت مشاورین قاره ای ) محول فرمودند که

با معاضدت معاونین خود در سراسر جهان بانجام  
وظائف سابقه حضرات ایادی امرالله در قاره ها مأمورباشند .  
لهذا ایادی امرالله ، مشاورین قاره ئی ومعاونین  
ایشان همگی داخل در مؤسسه ایادی امرالله هستند .

## ۶- بَيْتُ الْعَدْلِ الْعَظْمِ

حضرت بهاء الله در لوح اشراقات میفرمایند :

" امور ملت معلق است برجال بیت عدل الهی  
ایشانند امناء الله بین عبادہ ومطالع الامر فی بلاده " .

همچنین در لوح بشارات میفرمایند :

" چون که هر روز را امری و هر حین را حکمی مقتضی  
لذا امور بوزرای بیت عدل راجع تا آنچه را مصلحت وقت  
دانند معمول دارند نفوسی که لوجه الله بر خدمت امر  
قیام نمایند ایشان طهمند بالهامات غیبی الهی برکل اطاعت  
لازم " .

در الواح وصایا میفرمایند :

" بیت عدل عمومی که بانتهاب عموم تأسیس و تشکیل شود  
در تحت حفظ وصیانت جمال ابهی وحراست وعصمت فائض  
از حضرت اعلی روحی لهما الفدا است . آنچه قرار دهند

من عند الله است "

و در لوحی دیگر میفرمایند :

" بیت العدل اعظم بالهام و تائید روح القدس  
 قرار و احکام جاری نماید زیرا تحت و قایت و حمایت و  
 صیانت جمال قدم است و آنچه قرار دهند اتباعش  
 مسلم و واجب محتّم بؤکل است ابداً مفرّی از بسبرای  
 نفسی نه "

و نیز در الواح و صایا میفرماید :

" مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه راجع  
 به بیت عدل عمومی به بیت عدل آنچه بالاتفاق و بیست  
 یا کثرت آراء تحقق یابد همان حی و مراد الله است "  
 و نیز میفرماید :

" این مجمع مرجع کل امور است و مؤسس قوانین و  
 احکامی که در نصوص الهی موجود نه "

در باره طرز انتخاب بیت عدل در الواح و صایا میفرمایند :  
 " در جمیع بلاد بیت عدل خصوصی ( محفل روحانی  
 ملو ) تشکیل شود و آن بیوت عدل بیت عدل عمومی انتخاب  
 نمایند "

حضرت ولی امرالله در باره طریقه انتخاب بیت العدل -  
 میفرمایند :

" این محافل مرکزی در ممالک شرق و غرب باید  
 بانتخاب عمومی در هر مملکتی علیحده بنحوی غیر مستقیم  
 منتخب شوند یعنی : جمهور ملت در رتبه اولی و کلاً  
 خویش را انتخاب نماید و این هیئت وکلای منتخبه .... در  
 رتبه ثانیه هیئت مجلله محفل مرکزی آن اقلیم را مستقیماً  
 بانتخاب عمومی انتخاب نماید ..... بیوت عدل خصوصی  
 که در وقت حاضر بمحافل مرکزی معروف و مشهور اند منتخب  
 منتخبین اند و ارکان بیت عدل اعظم الهی منتخب منتخب  
 منتخبین . "

در رضوان سال ۱۹۶۳ یعنی در جشن یکصدمین  
 سال اظهار امر حضرت بها<sup>ع</sup> الله برای اولین بار از طرف  
 اعضا<sup>ع</sup> ۵۶ محفل طی در سراسر جهان اولین بیت عدل  
 اعظم انتخاب گردید .

## ۷- محفل روحانی ملی

محفل روحانی ملی که در الواح وصایا و الواح دیگر  
 بنام بیت عدل خصوصی نامیده شده است بطور غیر مستقیم  
 از طرف احبای هر اقلیم انتخاب میشود یعنی احبای اول -  
 وکلای انتخاب مینمایند و آن وکلا در مرتبه ثانی از بیمن

کلیه یاران آن کشور اعضای محفل ملی را انتخاب مینمایند .  
حضرت ولی امرالله میفرماید :

"سالی يك دفعه در هر اقلیم علیحده عده وکلائی  
انتخاب شود واین وکلا را افراد احبانه محافل روحانی  
انتخاب نمایند واین وکلا از بین احبانه الله در تمام آن -  
اقلیم ۹ نفر انتخاب نمایند این ۹ نفر اعضای محفل  
مرکزی آن اقلیمند یعنی : اعضای محفل مرکزی منتخب  
منتخبینند ."

محفل ملی دارای مسئولیت عظیمه است زیرا بر کلیه  
محافل روحانیه محلیه و فعالیت افراد احبانه اشراف دارد  
و محافظه امرالله در کشور بعهده او است .

حضرت ولی عزیز امرالله در توفیق ۱۹۲۱ میفرماید :

"و همچنین محافل روحانیه محلی خود را مستظلل  
در ظل هیئت مجلله امنای محفل مرکزی اقلیم خویش شمردند  
وحوادث مهمه و شئون عمومیه و قضایای کلیه که مؤثر در  
مصالح جمهور بهائیان آن اقلیم است مستقیماً بآن هیئت  
مرکزی مراجعه فرمایند و در این موارد واسطه ایصال  
مخابرات و تبلیغات رسمیه بین افراد بهائیان و امنای  
محفل مقدس در مرکز آن اقلیم گردند ."

محفل ملی بمنزله عمود است برای بیت عدل اعظم

و مانند رکن و پایه است برای تشکیل آن مقام مکرم .  
و انتخاب اعضای بیت العدل اعظم بعهدہ اعضای محافل  
ملیه است .

## ۸ - محفل روحانی محلی

در کتاب اقدس میفرماید :

" قد كتب الله على كل مدینه ان يجعلوا فيهما

بيت العدل و يجتمع فيها النفوس على عدد البهائم ...

و يشاوروا في مصالح العباد كما يشاورون في امورهم

ويختاروا ما هو المختار كذلك حكم ربكم العزيز المختار .

که مضمون بیان مبارک بغارسی چنین است :

" خداوند امر کرده است تا در هر شهری بیت العدل

تشکیل شود و نفوس بعدد بهائم " یعنی ۹ " جمع

گردند ..... و در امور و مصالح مردم مشاوره نمایند

آن طور که در امور شخصی خویش مشورت میکنند و آنچه

تصویب گردید عمل نمایند . این چنین خداوند عزیز

و مختار امر فرموده است ."

این محافل روحانیه محلیه من دون استثناء در هر شهر

و قصبه و قریه که عدد مؤمنین از زن و مرد از سن بیست و یک



بی‌الا به ۹ نفر یا بیشتر بالغ گردد هر سال در یوم اول  
عید سعید رضوان ( اول اردیبهشت ماه ) مستقیماً  
از طرف احبای بالغ آن محل رجالاً و نساءً انتخاب میشوند .  
حضرت ولی امرالله در توفیق مورخ ۸ شهرالرحمه سنه . . ۱  
میفرمایند :

ناخبین ( انتخاب کنندگان ) از مؤمنین و مؤمنات باید  
بکمال توجه و خلوص و تأمل و تدبیر نفوس مؤمنه مخلصه  
مجرّبّه مقتدره مستعدّه که قابل عضویتند انتخاب نمایند . . .  
اصل توجه و انقطاع است و اهتمام در انتخاب نفوس  
سلیمه مستعدّه لایقه " .

در توفیق ۱۹۲۱ حضرت ولی امرالله میفرمایند :

" وهمچنین اعضای محافل روحانیه محلی و مرکزی  
باید از مآرب و منافع و مصالح شخصیّه فردیه خود بیزار و در  
کنار باشند و نظر را حصر در ترویج مصالح جمهور و فوائد  
عمومیه و پیشرفت جامعه بهائی نمایند در امور مفروضه  
موکوله تفحص و تعین نمایند و بعدل و انصاف حکم فرمایند .  
در امور مرجوعه در کمال صراحت و صداقت و جدیت مشورت  
تام نمایند و در مذاکرات و مباحثات کل من دون استثنا  
مشارکت نمایند و پس از مشورت کامل متمسک بحکم اکثریت  
گردند و تصمیم قطعی بنمایند و پس از تصمیم من دون تأخیر

و تردید در تنفیذ و اجرای قرارهای خویش همت بلیغ  
مبذول دارند .

این محافل روحانیه دارای اختیارات تامه بوده  
و بهیچوجه در آراء و تصمیمات خویش مسئول ملت یعنی  
انتخاب کنندگان خود نمی باشد .

## ۹- عهد و میثاق

حضرت عبدالبهاء در لوحی میفرمایند :

" همچنین باثر قلم اعلی عهد و میثاقی عظیم از جمیع  
بهائیان گرفت که بعد از صعود متابعت مرکز میثاق  
( حضرت عبدالبهاء ) نمایند و سر موئی از اطاعت او تجا و ز  
و انحراف نجویند و در کتاب اقدس در دو موقع صراحتاً امر  
قطعی فرمودند و بتصریح مبین کتاب را تعیین فرمودند  
و در جمیع الواح علی الخصوص سوره غضن ..... باری از  
خصایص این دوره حضرت بهاء الله که در دوره های سابق  
نبوده است یکی این است که حضرت بهاء الله مجال اختلاف  
نگذاشت زیرا در یوم مبارکش باثر قلم اعلی چنین عهد و  
میثاقی گرفتند که مرجع کل را بیان فرموده و مبین کتاب  
را تصریح کرده و ابواب تأویل را مسدود فرموده جمیع باید

شکر خدا کنید که در این دور مبارک کل را راحت فرموده مجال تردد نگذاشته لهذا باید اطاعت و انقیاد نمود و توجه تام اما کلام حصر در این باشد ابدان تجا و ز از این نمایند تا سبب اختلاف و رافع اختلاف باشد .

معلوم شد که حضرت بهاء الله در کتاب اقدس و کتاب

عهدی و سوره غصن و دیگر الواح بصراحت معین فرموده است که همه بهائیان باید توجه بحضرت عبدالبهاء نمایند و ایشان مبین آیات الله هستند باین ترتیب وحدت اصلیه را حفظ فرمودند و از بهائیان عهد گرفته اند که متوجه به مرکز واحد باشند .

حضرت عبدالبهاء نیز در الواح وصایا از جمیع بهائیان عهد گرفتند که توجه به ولی امرالله شوقی افندی ربانسی نمایند و در الواح متعدده بیان فرمودند که " مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه راجع به بیت عدل " و در الواح وصایا بصراحت تعلیم فرمودند که ولی امرالله و بیت عدل عمومی مصون از خطا میباشند و همچنین فرمودند هر کس مخالفت او کند ( ولی امرالله ) و مخالفت ایشان کند ( بیت عدل ) مخالفت خدا کرده است .

پس ثابت بودن بر عهد و میثاق عبارت از این است که فرد بهائی که مؤمن به حضرت بهاء الله است مطیع

حضرت عبدالبهاء و متوجه و منقاد به حضرت ولی امرالله  
 و بیت عدل اعظم باشد تا وجدت در جمع اهل بهما محفوظ  
 ماند .

هرکس که خود را بهائی دانسته ولی این عهد و میثاق  
 را بشکند و بیکی از این مراجع بیوفا باشد و مخالفت نماید  
 طبق الواح و صایا مخالفت خدا نموده است و مصداق ....  
 " طیه غضب الله علیه قهرالله " خواهد بود .

همچنین حضرت عبدالبهاء فرمودند :

" هرکس مخالفت کند عاقبت مقهور شود "

نفوسیکه عهد الهی را بشکنند ناقض عهد شده اند  
 حضرت عبدالبهاء در الواح و صایا فرمودند :

" از اساس اعظم امرالله اجتناب و ایتعاد از ناقضین است  
 زیرا بکنی امرالله را محو و شریعت الله را سحق و جمیع —  
 زحمت را هدر خواهند داد . "

ناقضین عهد را که بفرمان بیت العدل اعظم مطاعوم  
 میشوند مخالف طیه با افراد احبا معرفی میکنند و احبا هم  
 بفرموده حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء از آنان دوری  
 میکنند و سلام و کلام با آنان را جائز نمی دانند و با آنان  
 مؤانست نمی کنند و ارتباط حاصل نمی نمایند .

## ۱۰- تقویم بهائی

تقویم بهائی را حضرت باب که مبشر حضرت بهاء الله بوده اند وضع فرموده اند . این تقویم بحساب شمسی است نه حساب قمری .

در تقویم بهائی سال به ۱۹ ماه تقسیم شده است که هر ماه عبارت از ۱۹ روز است و جمع این ماهها ۳۶۱ روز میشود و در سالهای عادی چهار روز و در سال کبیسه پنج روز بنام ایام هاء ایام زائد از سال معلوم شده اند . این روزهای زائد از سال قبل از ماه آخر قرار دارد و ماه آخر، روزه ( صیام ) است ....

بعد از ماه صیام اول سال با نوروز که عید صیام است شروع میشود .

شروع تقویم بهائی از نوروز آن سالی است که حضرت باب اظهار امر فرمودند .

نوروز یعنی اول سال بهائی ( مطابق ۲۱ مارچ ) است . ماههای بهائی هر يك اسمی دارند که شاعری آن اسامی را در شعری بیان کرده است :

شمار ماه بهائی است نوزده در سال

نخست شهر بهاء بعد از آن جلال و جمال

پس از مه عظمت نور و رحمت و کلمات

زیبی در آید شراسما\* بعد شهر کمال (۱)

چو بگذرند ترا عزت و مشیت و علم

کنند قدرت و قول و مسائل استقبالی

شرف چو آمد و سلطان و ملک روی نمود

شود بشهر علا\* ختم نوزده مه سال

در تقویم بهائی روز از غروب شروع و به غروب آفتاب در روز

بعد ختم میشود .

## ۱۱- ضیافت نوزده روزه

~~~~~

ضیافت ۹ : روزه همان طور که از اسمش معلوم است

اجتماعی است که هر ۹ روز یکمرتبه تشکیل میشود . در این

ضیافت که اول هر ماه بهائی دایر میشود بهائیان در

صیقلی در ستانه و صمیمی در امور امری بمشاروه می پردازند .

ضیافت ۹ روزه را حضرت اعلیٰ تشریح فرمودند و هر دو

(۱) یعنی اول شهر الکفالی است بعد از آن شهر

الاسماء .

تصویب حضرت بهاء الله نیز قرار گرفته است .

برگرمای دارد که دارای سه قسمت است بشرح ذیل :

۱- قسمت روحانی و دعا : در این قسمت از ادعیه ، مناجات ها ، آثار و الواح مقدسه تلاوت میشود .

۲- قسمت مشاوره : در این قسمت اخبار و بشارت بهائیه جهان و داخل کشور " ملی " و محلی بیان میشود و پیشرفتهای امر در سراسر عالم با اطلاع یاران میرسد و از اقدامات محفل روحانی محلی باخبر میشوند و سپس برای پیشرفت جامعه امر هرکس نظر و پیشنهادهای دارد - بیان میکند و باهم مشورت مینمایند و این پیشنهادهای که مورد تصویب اکثریت حاضرین قرار گرفت به محفل روحانی محل تقدیم میشوند .

قسمت سوم ضیافت مادی و پذیرائی است : در این قسمت که ممکن است خیلی ساده هم برگزار شود دوستان صمیمانه باهم صحبت میدارند معاشرت میکنند و باچنان روح صمیمیت و محبت آمیزش مینمایند که نشانه اخلاق و حیات بهائیه است و نمونه وحدت عالم انسانی یعنی خارج از حدود محدوده نژادی طبقاتی ملی و مذهبی و شخصی است همچنین ضیافت ۱۹ روزه به احباب فرصتی میدهد که هرکس تبرعات خود را بمنظور تقویت امرالله

و معاضدت در امور اجتماعی تقدیم صندوق محفل روحانی
نماید .

۱۲- ایام متبرکه

در دیانت بهائی نیز مانند ادیان دیگر روزهای
مخصوصی است که بمناسبت وقایع خاص که در چنان روزی
اتفاق افتاده متبرک و محترم محسوب است . این روزها
شامل اعیاد و ایام تذکر است . و در بین آنها ۹ روز
ایام محرّمه محسوب است یعنی اشتغال بکار و صناعت
و تجارت و غیره حرام است . ایام متبرکه بهائی بقرار
ذیل اند :

۱- نوروز که عید صیام نیز محسوب است و آن روز
اول بهار است و شروع سال بهائی نیز می باشد (مطابق
۲۱ مارچ) .

۲- ایام عید رضوان که دوازده روز است از روز اول تا
دوازدهم اردیبهشت ماه (مطابق ۲۱ اپریل تا ۲ می)
و این ایامی است که حضرت بهاء الله در بغداد آشکارا
اظهار امر فرموده اند .

۳- روز پنجم جمادی الاولی که روز بعثت حضرت باب

است (در کشورهای دیگر بحساب شمسی روز ۲۳ می)

۴- تولد حضرت باب و تولد حضرت بهاء الله روزهای

اول و دوم محرم (در کشورهای دیگر بحساب شمسی

روزهای ۲۰ اکتبر تولد حضرت باب و ۱۲ نوامبر تولد

حضرت بهاء الله) .

۵- روز شهادت حضرت باب که روز بیست و هشتم

شعبان است (در کشورهای دیگر بحساب شمسی نهم

جولای) .

۶- صعود حضرت بهاء الله که هفتم نرووز است

(مطابق ۲۹ می) .

۷- روز میثاق که پنجم آذرماه است (مطابق ۲۶ نوامبر)

۸- صعود حضرت عبدالبهاء هفتم آذرماه (مطابق

۲۸ نوامبر) .

از این روزها نه روز است که اشتغال به کسب و کار حرام

است عبارتند از :

۱- نرووز ۲- اول رضوان ۳- نهم رضوان ۴-

دوازدهم رضوان ۵- پنجم جنادی الاولی ۶- اول محرم

۷- دوم محرم ۸- بیست و هشتم شعبان ۹- هفتم نرووز

نرووز .

در باره امام احمد حضرت عبدالبهاء در خطابه می فرمایند:

"در شرایع مقدسه الهیه در هر دوری و کوری نیز ایام
 سرور و جهوری و اعیاد مبارکی که در آن روز اشغال متفرقه
 تجارت و صناعت و زراعت خلاصه هر عطی حرام است باید کل
 بسرور و شادمانی پردازند و اجتماع کنند و محافل عمومی
 بپارایند و حکم يك انجمن حاصل کنند تا وحدت طست و
 الفت و یگانگی در جمیع اقطار مجسم شود و چون روز مبارکیست
 نباید آنروز را مهمل گذاشت و بی نتیجه نمود که ثمره
 آنروز محصور در سرور و شادمانی ماند در چنین یوم مبارکی
 باید تأسیس مشروعی گردد که فوائد و منافع آن از برای
 ملت دائمی ماند امروز نتیجه و ثمری اعظم از هدایت
 خلق نیست احبای الهی در چنین روزی البته
 باید يك آثار خیریه صوریه و یا آثار خیریه معنویه بگذارند
 که آن آثار خیریه شمول بر جمیع نوع انسانی داشته باشد
 زیرا در این روز بدیع هر عمل خیری باید عمومی باشد
 یعنی شمول بر جمیع بشر داشته باشد اختصاص بس
 بهایان نداشته باشد ".

هر سنده در یوم شهادت حضرت باب و لیالی صمود
 حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء در کمال وقار و تذکر
 مجالسی منعقد میشود و محذاکرات مناسب آن مقام و تلاوت
 مناجات و الواح اختتام میباشد .

فرائض و واجبات یکفرد بهائی

بعضی از واجبات برای یک بهائی را زیلا یاد آوریم :

نماز

در کتاب اقدس میفرماید :

" قدرتم علیکم الصلوة والصوم من اول البلوغ " یعنی
نماز و روزه از اول بلوغ (پانزده سال تمام) واجب شده
است .

حضرت عبدالبهاء میفرماید :

" ای یار روحانی بدان که مناجات و صلوة فرض و واجب
است و از انسان هیچ عذری مقبول نه مگر آنکه مختل العقل
یا دچار موانعی فوق العاده باشد " .

نماز بر سه قسم است که هر بهائی باید در شبانه روز یکی
از آن سه نماز را بجا آورد .

- ۱- صلوة کبیر (نماز بزرگ) ۲- صلوة وسطی
- (نماز متوسط) ۳- صلوة زوال بزوال (نماز مخصوص

ظهر بظهر) .

صورت این نمازها را در کتاب های مخصوص صلوة میتوانیم زیارت کنیم و بشرایط آن و اوقاتش آشنا گردیم . در اینجا بذکر صلوة ظهر بظهر میپردازیم که در شبانه روز يك بار کافی است :

" اشهد يا الهى بانك خلقتنى لعرفانك وعبادتك اشهد فى هذا الحين بعجزى وقوتك وضعفى واقتدارك وفقرى وغنائك لا اله الا انت المهيمن القيوم

یعنی : گواهی میدهم ای پروردگار من که مرا به سرای شناسائی و پرستش خود آفریدی در این زمان گواهی میدهم به ناتوانی خود و توانائی تو و ضعف خود و قدرت تو و فقر خود و بی نیازی تو خدائی جز تو مهیمن و قیوم نیست .

برای نماز باید وضو ساخت و صورت وضو بقرار ذیل است :

دستها را شسته بگوئیم :

الهى قويدى لتاخذ كتابك باستقامة لا تضعها جنود العالم ثم احفظها عن التصرف فيها لم يدخل فى ملكها انك انت المقدر القدير .

یعنی : ای پروردگار من دستم را توانائی بخش تا کتابت را بگیرد . بچنان استقامتی که لشکریان عالم آنرا بساز

ندارد . پس آنرا از تصرف در آنچه در ملك او داخل

نیست حفظ فرما تو خداوند مقتدر و توانائی .

پس صورت را شسته میگوئیم :

* ای رب وجهت وجهی الیک نوره بانوار وجهک ثم احفظه

عن التوجه الی غیرک *

یعنی : ای پروردگار رویم را بسوی تو نمودم آنرا بانوار

وجه خود روشن فرما پس آنرا از رو کردن به غیر خودت

حفظ فرما .

قبله

قبله بهائئى روضه مبارکه است (آرامگاه حضرت بهاء الله)

که باید نماز بدان سو بیجا آورده شود .

تلاوت مناجات و اربعیه و آیات

تلاوت آیات واجب است . در کتاب اقدس میفرماید :

* اتلوا آیات الله فی کل صباح و مساء ان الذی لم

یتل لم یوف بعهد الله و میثاقه *

یعنی : آیات خدا را در هر بامداد و شام بخوانید کسی

که نخواند به پیمان خداوندی وفا نکرده است .

همچنین میفرماید :

" اغتمسوا فی بحریانی لعل تطلعون بما فیہ من لثالی
الحکمہ والاسرار "

یعنی : در دریای بیان من فروروید تا به آنچه از لثالی
حکمت و اسرار در آن است پی برید .
تلاوت سناجات برای طلب فیض و کسب روحانیت و انجذاب
است چنانچه حضرت عبدالبها میفرماید :
" بدانکه هر ضعیفی را شایسته آنست که بدرگاه قسوی
استفاده کند و هر طالب فیضی را سزاوار آنست که از فیاض
ذوالجلال مسئلت نماید و چون انسان بمولای خود تضرع
کند با و توجه نماید و از بحر رحمت رحمت طلبید نفس امین
حالت و ابتهاال جالب انوار بر قلبش شود بصیرتت روشن
گردد به جانش روح بخشد و وجودش سپرواز آید ."
دعاهایی هم داریم که برای مؤثر شدن خاصی است و در کتابهای
ادعیه میتوانیم آنها را تلاوت کنیم .
مقصد از مناجات :

حضرت عبدالبها در بیانی میفرماید :

" وقتی که انسان بنهایت تضرع و ابتهاال بمناجات
پردازد قصدش بیان محبتی است که بخدا دارد نه از جهت
خوف از او یا ترس از نارجهنم و نه بامید نعیم و جنت وقتی که
انسان مفتون حب دیگری گردد ممکن نیست از ذکر آن معشوق

سکوت اختیار کند پس چقدر صعب است برای انسان مفتون
 محبت الله باشد از ذکر او دم فرو بندند شخص روحانی
 از هیچ چیز مسرت نیابد مگر بذكر الهی *

صوم « روزه »

روزه بر هر بهائی بالغ (یا نرزه سالگی ببالا) واجب است
 در کتاب اقدس میفرماید :

« كَفَّوْاْ اَنْفُسَكُمْ عَنِ الْاَكْلِ وَالشَّرْبِ مِنَ الطَّلُوعِ اِلَى الْاَفْوَلِ
 اَيَّاكُمْ اِنْ يَمْنَعُكُمُ الْمُهْرِيُّ عَنْ هَذَا الْفَضْلِ الَّذِي قَدَرْنَا فِي
 الْكِتَابِ » .

یعنی : نفس خود را از خوردن و آشامیدن باز دارید
 از طلوع آفتاب تا غروب مبادا آنکه خواهش نفسانی شما را از
 این فضل که در کتاب الهی امر شده است باز دارند .

روزه در شهرالاعلا صورت میگیرد که ماه آخر سال است
 و چون ماههای بهائی بحساب شمسی است لهذا همواره
 ساله روزه در فصل معین خواهد بود .

در کتاب اقدس مسافر ، مریض ، زن باردار و شیرده
 و دارندگان سن هفتاد ببالا از روزه معاف شده اند .
 حضرت عبدالبهاء میفرماید :

« صِيَامُ رَمَزَانِ صَوْمِ اَسْمَاكَ مِنْ اَرْزُوْهَائِ نَفْسَانِيْ اَسْتِ

صیام ظاهری رمزی از آن اسماک است سبب تذکر و تنبّه
است مجرد اسماک از طعام تاثیری بروح نبخشد
پس این رمز و تذکریست و الا هیچ اهمیتی ندارد .

تبلیغ

حضرت بهاء الله میفرمایند :

” قل یا ملا البهائیه بلغوا امر الله لان الله كتب لكل
نفس تبلیغ امره وجعله افضل الاعمال “ .

یعنی : بگوای بهائیان امر خدا را ابلاغ کنید زیرا
خداوند بر هر کس تبلیغ امرش را واجب فرموده و آنرا
بهترین کارها قرار داده است .

حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا امر فرموده اند تا هر
بهائیی شب و روز تبلیغ امر مشغول باشد و دقیقه ثانی
این وظیفه را فراموش ننماید . بهترین راه تبلیغ عمل بتعالی
الهی است چنانچه حضرت عبدالبهاء میفرماید :

” اول خود بآن عمل نماید بعد ناس را دلالت کند “

همچنین میفرماید :

” نفسی تا خود کامل نگردد چگونه میتواند نقص دیگران
را زائل نماید تا خود منقطع الی الله نشود چگونه میتواند
دیگرانرا منقطع کند “ .

عضویت جامعه

حضرت عبدالبهاء میفرمایند :

” اساس عقاید اهل‌بهاء روحی لهم الفداء حضرت رب اعلى مظهر وحدانیت و فردانیت الهیه و مبشر جمالقدم حضرت جمال ابهی روحی لاجبائه الثابتین فدا مظهر کلیه الهیه و مطلع حقیقت مقدسه ربانیه و مادون کل عباد له وکل بامرہ یعلمون مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه راجع به بیت عدل ، به بیت عدل آنچه بالاتفاق و یا باکثرت آراء تحقق یابد همان حق و مراد الله است ”

بدین ترتیب هرکسی این اعتقاد را داشته باشد بهائی است ولی برای عضویت جامعه بهائی باید بدانیم که عمل به تسالیم حضرت بهاء الله لازم است . حضرت عیدالبهاء در جواب شخصی که سؤال کرد بهائی یعنی چه فرمودند : یعنی جمیع عالم را دوست دارید و باکل بشر مهربان گردید در فکر خدمت بنوع انسانی باشید . خادم صلح عمومی و مروج اخوت حقیقی ” در جای دیگر میفرمایند :

” بهائی یعنی جامع جمیع کمالات انسانی ” هر نفسی که بموجب تسالیم حضرت بهاء الله رفتار نماید بهائینست بالعکس کسی که پنجاه سال خود را بهائی نامیده و بموجب تسالیم رفتار ننموده بهائی نیست . حضرت بهاء الله

در لوحی بیانی باین مضمون میفرمایند :

"بکمال حبّ و وفاق مجتمع شده بمشاوره پرد ازند این
ایام گرانها را در اصلاح عالم و نشر تعالیم مالک امم و
جمال بدم مصروف دارید" (ترجمه)
حضرت عبد البها میفرمایند :

"باید یاران الهی مجذوب و مفتون یکدیگر باشند
و جانفشانان در حق یکدیگر کنند اگر نفسی از اجبابد یگری
برسد مانند آن باشد که تشنه لبی به چشمه آب حیات برسد
و یا عاشقی به مشوق حقیقی خود ملاقات کند زیرا از اعظم
حکمت الهی در ظم نور مظاهر مقدسه این است که نفوس
مانوس یکدیگر گردند و قوه مدبیت الله جمیع را امواج یک در
نماید و از همار یک برستان کند و نجوم یک آسمان نماید"

حقوق الله

در کتاب اقدس میفرماید :

"والذی تملک مائة مثقال من الذئب فتسمه عشرين
مثقالا لله فاطر الارض والسما"

یعنی : هر کس دارای (معادل قیمت) صد مثقال طلا
شود ۱۰۰ مثقال آن برای خداوند خالق زمین و آسمان
است . این حق ۱۰ درصد از اموال را حقوق الله مینامیم

نصاب حقوق الله یعنی حد اقل تملکی که بر آن حقوق الله تعلق میگیرد قیمت ۱۹ مثقال طلای ۱۹ نخوی است یعنی معادل قیمت ۷۵ گرم طلای خالص که هر وقت کسی اضافه بر مخارج سالیانه خود مبلغی معادل ۷۵ گرم طلا اضافه داشت باید ۱۹ درصد آنرا بابت حقوق الله بپردازد .

حقوق الله از هر مبلغ مال برای يك دفعه در عمر پرداخته میشود مگر آنکه آن مال بدست دیگری منتقل شود . حکمت های تقدیم حقوق الله زیاد است از جمله پاك شدن اموال ، تقرب بدرگاه الهی و مقامات روحانی نزول برکت ، مزید نعمت ، خیرات ، شمول رحمت و فضل الهی ، اجزایاتی ، ثبوت و رسوخ بر عهد و میثاق و غیره حقوق الله در مصارف خیریه بین الملی تحت اداره بیت عدل اعظم مصرف میشود .

حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا میفرماید :

" اما مفروضی حقوق سبب ثبوت و رسوخ نفوس و برکت

در جمیع شئون گردد . "

حضرت ولی امر الله میفرمایند :

" جالب تأئید الهی و برکت سماوی و فیض نامتناهی است

و مروج مصالح متنوعه جامعه بین الملی بهائی "

تبرع به صندوق امر

حضرت ولی امرالله در توفیق ۲۷ شباط ۱۹۲۳ میفرمایند :

” و چون تقویت و تقدیم سریع و تمشیت امور محفل که در مستقبل ایام اهمیت جدید و مرکزیتی عظیم خواهد یافت معلق و متوقف بروجود اسباب ظاهره و وسائل مادیه و وسایط مالیه است ، لذا افراد احباء الله را اعانه و مساعدت محفل از وظائف مقدسه وجدانیه محسوب باید در هر نقطهئی از نقاط امریه که محفل روحانی تأسیس گشته فوراً بعد از وصول این نامه صندوق خیریهئی تشکیل گردد و در تحت اداره مطلقه محفل روحانی باشد و جز با اطلاع و صوابدید اعضای محفل فلسفی از آن صرف نگیرد و آنچه را اعضای محفل در ترویج امر تبلیغ و تأسیس مدارس و اعانه محتاجین و طبع و انتشار کتب و الواح و مخابره و مراسله با اطراف صلاح دانند از آن مبلغ برداشته صرف نمایند اعانه در این سبیل از احتیاجات ضروریه امرالله است و از امور لازمه اساسیه محسوب بعد از ادای حقوق فی الحقیقه اعظم وظیفه شخص بهائیت زیرا آنچه در این سبیل تقدیم گردد و صرف شود راساً ترویج امر الهی است و تعزیز و تقویت آئین ربانی ولی این وظیفه و وظیفه مقدسه بهیست و امر ^{است}

وجدانی و تکلیفی است روحانی احدی مجبور بر آن نه هر نفس بقدر استطاعت خویش اعانه می باین صندوق خیریه نماید و تقدیم محفل روحانی کند اجرش عند الله عظیم است ."

در توقیع مورخ ۸ جون ۱۹۲۵ میفرماید :

" و از فرایض محافل روحانیه تشویق نفوس در ادامه و توسعه دائره صندوق خیریه یاران است باید امنای الهی به تبرعات مستمره خویش سر مشق افراد گردند و بقدر امکان به صندوق خیریه محفل مرکزی خویش مجتمعا اعانه مالی ارسال دارند . از فرایض وجدانیه یاران الهی چه از اغنیاء و چه از فقرا و چه از اعضای محافل و چه غیر آن در هر بلده و قریه می اشتراک در این امر خطیر است تکلیف بنفوس جائز نه و مطالبه شخصی مضر بمصالح امریه اگر چنانچه هر فردی از افراد چه در مواقع عسرت و چه در ایام رفاهیت بقدر وسع و استطاعت خویش بطیب خاطر مستمرا مستقیما بمحفل خصوصی علی الخصوص بمحفل مرکزی اقلیم خویش اعانه می تقدیم نماید و در این سلك شریف مداومت کند مبالغه کلی نزد امنای رحمن جمع شود و در حین احتیاج صرف اعانه محتاجین و تأسیس مشروعات مهمه و ترویج منافع عمومی و انتشار شریعت الهیه گردد ."

بهر حال چنانچه حضرت ولی امرالله در توقیعی میفرمایند بعهده یاران است که بوجدان خود تصمیم بگیرند بچه میزان تبرع خواهند کرد در مقابل تبرعات باید رسید صادر شود تبرعات باید محرمانه صورت گیرد همچنین رسید نیز محرمانه داده میشود . مبالغ تقدیمی هرگز مورد بحث قرار نگرفته در بین جامعه انتشار داده نمی شود اطلاعات جدید در میزان واردات محفل در اخبار امری درج میشود .

حق اظهار نظر

در نظامات بهائو تصریح شده است که فرد بهائی حق دارد با کمال صراحت و صداقت نظر خود را برای پیشرفت جامعه بهائی تقدیم دارد . یکی از طرق بسیار مؤثر در تقدیم این نظرات غیافات ۱۹ روزه است که در قسمت مشورت پرگرام افراد میتوانند و باید نظرات و پیشنهاد های خود را تقدیم دارند اما هرگز نباید این نظرات جنبه شخصی و فردی داشته باشد بلکه در مسائل عمومی جامعه خواهد بود . آنچه مربوط به افراد است در جلسه عمومی قابل طرح نیست باید راسا بعرض محفل روحانی برسد .

مشارکت در انتخابات بهائی

هر بهائی زیرای (بیست و یکسال ببالا) دارای حق و وظیفه ابتداء رأی (یعنی رأی دادن) در انتخابات بهائی است .

حضرت ولی امرالله میفرمایند :

” چون وقت تجدید انتخابات اعضای محفل روحانی بمیان آید باید هر يك از افراد احبا تصویب یغنی ابدای رأی را از وظائف مقدسه وجدانی خویش شمرد و بقدر امکان اهنال در این امر ننماید و مستقل الس رأی در نهایت توجه و خلوص و تجرد و فارغ از هر مآرب نفسیه و مقاصد شخصیه نفوسی را که خالصا وجدانا قابل اینمقام که عضویت محفل مقدس روحانی است داند انتخاب نماید ”

احبا هر يك اسامی ۹ نفر را مرقوم میدارند و پاکت رأی را سر بسته تسلیم محفل روحانی میکنند و ۹ نفری که از ضمه بیشتر رأی داشتند عضو محفل خواهند شد .

اگر بین دو یا بیشتر از آخرین افراد برای عضویت محفل تساوی حاصل شود در يك انتخاب جدید احبا از بین آن چند نفر به تعداد نفوسی که لازم است رأی مخفی میدهند در بین آنها هر کس دارای اکثریت بود بعضویت

محفل انتخاب میشود .

سه شرط در انتخاب که عمومی ، سری و آزاد است در هر انتخاب از انتخابات بهائی معمول و مجری است چه در انتخاب اعضای محفل روحانی محلی یا انتخاب و کلاه شور روحانی ملی و یا انتخاب اعضای محفل روحانی ملی .

مشورت

جمال قدم جل جلاله در یکی از الواح میفرماید :

" آسمان حکمت الهی بد و نیر روشن و منیر است —

مشورت و شفقت در جمیع امور بمشورت متمسک شوید چه کسی

اوست سراج هدایت راه نماید و آگاهی عطا کند . "

حضرت عبدالبهاء در لوحی میفرماید :

" ای احبای الهی در امور مشورت نمائید و از یکدیگر

رأی طلبید آنچه که از شور درآید مجری دارید خواه موافق

فکر و رأی شما باشد خواه نباشد . "

در باره مشورت در محفل روحانی حضرت عبدالبهاء چنین

میفرمایند :

" در حین ورود توجه بملکوت اعلیٰ کنند و طلب تأیید

از افاق ابهی و در نهایت خلوص و وقار و سکون و آداب در انجمن

قرار یابند و بنهایت ادب و ملائمت کلام و اهمیّت خطاب به

بیان آراء پر دازند در هر مسئله فی تحریر حقیقت کنند نه
 اصرار در رأی زیرا اصرار در رأی و عناد در رأی منجر بمنافعه
 و مخاصمه گردد و حقیقت مستور ماند ولی اعضاء محترمه باید
 بنهایت آزادی بیان رأی خویش نمایند و ابداء جائزه که
 نفسی تزییف رأی دیگری نماید بلکه بکمال ملایمت بیان
 حقیقت کند و چون اختلاف آراء حاصل شود رجوع باکثریت
 آراء کنند و ک اکثریت را مطیع و منقاد گردند .

در لوحی دیگر میفرماید :

" تصادم افکار و مقاومت آراء در انجمن شورا سبب
 ظهور شعاع حقیقت است نباید هیچیک از اعضاء متکدر از
 مقاومت دیگری شود بلکه هر یک قول دیگری را با وجود
 مخالف بودن با رأی خویش در کمال ادب بخلوص نیست
 گوش دهد و غیاری در قلبش ننشیند چون چنین گردد آن
 انجمن الهواست و الاسبب برودت و کدورت عالم شیطانی"
 همچنین حضرت ولی امر الله در لوح احمای استانبول
 میفرمایند :

" منتخبین ملت باید بمیزان غلبه آراء در مسائل
 و مشکلات امت مذاکره و رفتار نمایند نه آنکه رأی فردی از
 افراد را برخلاف غلبه آراء میزان گویند فردی از
 افراد محفل هر قدر عظیم الشأن باشد و کامل و هر چه

آگاه باشد و فاضل بازرأی فرد مصاب نبوده و نخواهد بود
و آن فرد قانونا باید مطیع اقلیت باشد و حتی اگر از نه
نفس چهار نفر بخواهند مخالف اقلیت و برخلاف میزان
غلبه آراء عمل کنند این منافی اساس امرالله است و مخالف
قوانین متینه شریعة الله "

انجمن شور روحانی ملی

برای انتخاب اعضای محفل ملی باید اول احبا و کلائی

انتخاب نمایند چنانچه حضرت ولی امرالله میفرماید :

" وکلا باید بلا واسطه رأسا و مستقیما بواسطه جمهور

احبا انتخاب گردند . "

عدد و کلائی هر قسمت بفرموده مبارک " بالنسبه بعدد

مؤمنین و مؤمنات آن قسمت باشد . " این وکلا در رأس هر

سنة بهائی در ایام رضوان در مرکز جمع میشوند " و در شش

داخله روحانیه جامعه و از دیار روابط معنویه در بین عناصر

متنوعه و انتخاب امنای محفل روحانی ملی از بین عموم مؤمنین

آن کشور مذاکره و اقدام مینمایند " و نیز میفرماید :

" وکلائی که از حضور در این جلسه ممنوع و محروم

گشته اند البته باید رأی خویش را کتبا بمرکز اجتماع ارسال

دارند زیرا مشارکت آنان نیز در انتخاب اعضای محفل ملی

لازم و واجب . هیئت وکلا منتخبین اولند و اعضای محفل
ملی روحانی منتخب منتخبین . "

نشریات بهائی

حضرت ولی امرالله در توقیع مورخ ۱ جانوری ۱۹۲۳
میفرمایند :

" و اما در خصوص اشتراك بمجلات امریه از فرایض
احبای الهی آنست که بتمام قوی تقویت و معاونت این
مجلات بهائیرا نمایند و در صورت استطاعت احبا جمعاً و
رسماً بواسطه محفل روحانی خویش اشتراك باین مجلات کنند
و بشارات امریه خود را نیز بواسطه محفل روحانی مقرر
مستمرآ به اداره آن مجلات ارسال دارند . "

در توقیع ۲۷ شباط ۱۹۲۳ میفرمایند :

" جمع و طبع و ترجمه الواح مقدسه الهیه و کتب سماویه
و مقالات امریه است و انتشار و توزیعش در بین یاران و
اماء الرحمن اقدام بتمام این امور از این بعد بایستد
باطلاع و تصویب اعضای محفل روحانی باشد . "

آثار مقدسه و کتب دیگر در باره امر مبارک و رسالات —
تحت نظر محفل روحانی ملی بوسیله مؤسسه مطبوعات بهائی
نشر میگردد و این نشریات را هر فرد بهائی یا محفل روحانی

میتواند از آن مؤسسه بدست آرد . در ایران علاوه بر کتب امریه که در دسترس یاران قرار میگیرد مجلات آهنگ بدیع و ورقا و همچنین اخبار امری برای یاران تسجیل شده آماده میشود .

حضرت ولی امرالله در توقیفی میفرمایند :

« از وظائف اعضای محفل تائید و تقویت مجلات امریه عالم بهائیت امنای الهی باید در فکر انتشار و زندگیاد نفوذ و تنظیم و ترتیب و توسعه دائره این مجلات امریه باشند و اخبار را با اشتراك و تبرعات و تحریر مقالات تشویق کنند و هرگونه مساعدت مالی و ادبی نمایند » .

معرفی نامه

عموم بهائیان زیرای و جوانان تسجیل شده باید هر وقت از محل خود به نقطه دیگر میروند ورقه معرفی نامه داشته باشند تا ایشانرا عضو معتبر جامعه جهت شرکت در ضیافات ۱۹ روزه و کنفرانس های بهائی و غیره بشناسند . و در جلسات شرکت نمایند .

ازدواج

حضرت عبدالبهاء میفرمایند :

"ازدواج اهل بها باید ارتباط جسمانی و روحانی هر دو باشد این روابط روحانیه است و اتحاد ابدی در جمیع عوالم الهی این وحدت ابدی گردد" همچنین میفرماید :

"زن و مرد باید فی الحقیقه رفیق باشند غمخوار یکدیگر باشند موافقتشان از روی حقیقت باشد نه از شهوت و هوی و هوس".

حضرت بها^۱ الله در کتاب اقدس مقرر فرموده اند که در ازدواج باید پس از رضای طرفین رضای ابوبن نیز حاصل باشد تا از اختلاف جلوگیری شود و حضرت ولی امرالله میفرمایند :

"رضایت ابوبن شرط و واجب چه بهائی چه غیربهائی امتیاز و استثنا جائز نه".

در دیانت بهائی ازدواج با هر طبعی مجاز است مشروط بر اینکه برای طرف بهائی شرایط ازدواج بهائی مراعات گردد

طلاق

در کتاب اقدس میفرمایند :

"خداوند وصل و وفاق را دوست میدارد و فصل و طلاق

را مبغوض می شمارد" (ترجمه)

حضرت عبدالبهاء میفرماید :

" یاران باید بکلی از طلاق اجتناب نمایند مگر آنکه عوارضی در میان حاصل گردد که سبب برودت شود و مجبور بر انفصال شوند ."

حضرت ولی امرالله میفرماید :

" امر طلاق بسیار مذموم و قبیح و مخالف رضای الهی است ."

اگر زوجین ملاحظه نمایند که ادامه حضیات مشترک با وحدت غیر ممکن و مجاهدات در تأمین توافق و سازگاری بی ثمر است با تصویب محفل روحانی يك سال تربیت (صبر کردن) خواهند کرد اگر محبت مجدد حاصل نشد طلاق صورت خواهد گرفت .

تدفین

جسد اموات بهائی در صندوق بلور و یاسنگی و یا چوبی گذاشته دفن میشود . و نقل میت بمحلی دورتر از يك ساعت حرام است .

برای رعایت اصول بهائی در دفن اموات بهترین است در مواردیکه احباب بستگان غیر بهائی دارند در زمان حیات خویش وصیت نامه مرقوم دارند تا بعد از صعودشان

آن بستگان مانع انجام مقررات بهائی در دفن نشوند .

وصیت نامه

در کتاب اقدس میفرماید :

” قد فرض لكل نفس كتاب الوصیة وله ان یزین رأسه
بالاسم الاعظم ویعترف فیة بوحدانیة الله فی مظهر
ظهوره ؟“

یعنی : واجب شده است بر هر کس که وصیت نامه مرقوم
دارد و اول آنرا مزین به اسم اعظم نماید و در آن بوحدانی^ت
خداوند در مظهر ظهورش اعتراف کند .
حضرت عبدالبهاء در لوحی میفرماید :

” هر نفسی مکلف بر وصیت است بلکه فرض و واجب
است و صریح نصوص الهیه است که در حالت صحت خویش
باید حکماً وصیت نماید و بحسب میل خودش هر نوعیکه
بخواهد وصیت کند و آن وصیت نامه را مختوم بدارد و بعد
از وفاتش باز شود و بموجب آن عمل گردد . در این صورت
شخص متوفی میدانی وسیع دارد که در زمان حیات خود
هر قسمی که میل دارد وصیت نماید تا مجری شود .“

بعضی اوامر و نواهی

۱- اشتغال بکار و صنعت

در کتاب اقدس میفرمایند :

" یا اهل البها " قد وجب علی کل واحد منکم الاشتغال
بامر من الامور من الصنائع والاقتراف وامثالها وجعلنا
اشتغالکم بهانفس العبادۃ لله الحق "

یعنی : ای بهائیان بر هر فردی از شما واجب است بکساری
از کارها از صنعت و کسب و امثال آن مشغول شوید و این
اشتغال شما را مثل عبادت خداوند حق قرار دادیم .
در بشارات میفرماید :

" هر نفسی بصنعتی و یا یکسبی مشغول شود و عدل نماید
آن عمل نفس عبادت عند الله محسوب " .

۲- نظافت

حضرت عبدالبها میفرماید :

" طهارت و تقدیس از اساس دین الهی است
و اعظم وسیله وصول درجات عالییه غیر متناهی و این جوهر
لطیف و نظیف آنچه در ظاهر و چه در باطن بسیار محبوب

و مقبول و در عالم وجود از جمله شئون جسمانی که تعلق
و تاثیر در مراتب روحانی دارد نظافت و لطافت و طهارت
است."

در امر نظافت بقدری تاکید شده است که حتی نماز
و دعای انسان وقتی که لباسش تمیز نباشد مقبول نیست
و باستحمام و گرفتن ناخن و شستن پاها و استعمال عطر و
گلاب تاکید شده است .

۳- تعلیم و تربیت دختران و پسران

در کتاب اقدس والوواح بسیار امر به تعلیم و تربیت اولاد از
پسر و دختر شده است . از جمله در لوحی میفرمایند :

" قد كتب الله لكل اب تربية اولاده من الذكر والانثى
بالعلم والآداب ثم الصناعة والاقتراف " یعنی : خداوند
هر پدری را به تربیت اولادش از پسر و دختر به علم و آداب
و صنعت و کسب امر فرموده .
حضرت عبدالبهاء میفرماید :

" تربیت و آداب اعظم از تحصیل علوم است ."

۴- معاشرت با جمیع ملل

در لوح طرازات میفرماید :

” طراز دوم معاشرت با ادیان است بروج و ریحان
 و انصاف در امور، اصحاب صفا و وفا باید با جمیع
 اهل عالم بروج و ریحان معاشرت نمایند چه که معاشرت
 سبب اتحاد و اتفاق بوده است و اتحاد و اتفاق سبب
 نظام عالم و حیات امم است طوبی از برای نفوسیکه بحبل
 شفقت و رأفت متسکند و از ضعیفه و بهغضا فارغ و آزاد ”.

۵ - نهی از قتل و زنا و غیبت و افترا

قتل و زنا و غیبت و افترا شدیداً در احکام الهی نهی
 شده است .

۶ - عفت و عصمت

حضرت بهاء الله میفرماید :

” قل الذین ارتکبوا الفحشاء انهم لیسوا من
 اهل البهائم .

یعنی : کسانیکه ارتکاب فحشاء مینمایند بهائی نیستند .
 و نیز در لوحی میفرماید :

” هر نفسی از او آثار خباثت و شهوت ظاهر شود او از
 حق نبوده و نیست ”.

حضرت عبد البهائم میفرماید :

" اهل بها باید مظاهر عظمت و عفت عظمی باشند " و نیز میفرمایند :
" ذره از عصمت اعظم از صد هزار سال عبادت و دریای معرفت است " .

۷- امانت

در لوح طرازات حضرت بها^ع الله میفرماید :
" امانت باب اعظم است از برای راحت و اطمینان خلق قوام هر امری از امور با و منوط بوده و هست عوالم عزت و رعت و ثروت بنور آن روشن و منیر " .

۸- فنی از نزاع وجدال

حضرت بها^ع الله میفرماید :
" حق شاهد و گواه است که ضرری از برای امر الیوم اعظم از فساد و نزاع وجدال و کدورت و بیروت مابین احباب نبوده و نیست " .

در لوح بشارات میفرماید :
" سبب حزن مشوید تا چه رسد بفساد و نزاع "

۹- مواسات

در لوحی میفرماید :

" معنی مواسات که در کتاب الهی نازل شده این است که هر يك از مؤمنين سايرين را مثل خود مشاهده نماید يعنى خود را اعلیٰ نشمرند و اغنيا فقرا را از مال خود محروم ننمایند و آنچه از برای خود از امورات خیریه اختیار کنند از برای ساير مؤمنين هم همانرا اختیار کنند این است معنی مواسات ."

۱۰- راستگویی

در کتاب اقدس میفرماید :

" زينوا رؤسكم بالکيل الامانه والوفا * وقلوبكم بردا "

التقوى والسنم بالصدق الخالص "

يعنى : سرهای خود را بتاج امانت و وفا و قلوب خود را به جامه تقوى و زبانهای خود را بصدق خالص زینت بخشید .

حضرت عبدالبهاء میفرماید :

" جميع معاصى بيك طرف و كذب بيك طرف بلکه

سيئات كذب افزونتر است و ضررش بیشتر راستگو و كفر گوی

بهرتر از آنست که کلمه ایمان بر زبان راند و دروغ گوئی "

۱۱- اطاعت حکومت وعدم مداخله در سیاست :

در کتاب اقدس میفرماید :

" لیس لاحدان يعترض على الذين يحكمون على العباد " یعنی کسی حق ندارد بر کسانی که بر بندگان حکم میکنند (بر اولیای حکومت) اعتراض نماید "

در لوحی جمال مبارک میفرمایند :

" ابدأ در امور دنیا وما يتعلق بها و رؤسای ظاهره آن تکلم جائز نه بر احدی جائز نه که ارتکاب نماید مریراً که مخالف رأی رؤسای مملکت باشد "

حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا میفرماید :

" ای احبای الهی باید سریر سلطنت هر تاجدار عالمی را خاضع گردید و سده ملوکانه هر شهریار کاملاً خاشع شوید بیاد شاهان در نهایت صداقت و امانت خدمت نمائید و مطیع و خیرخواه باشید . "

در لوح دیگر حضرت عبدالبهاء میفرماید :

" مقصود این است که احبا نباید کلمه از امور سیاسی بر زبان رانند زیرا تعلق بایشان ندارد بلکه با امور و خدمات خویش مشغول شوند و بس . در فکر آن باشند که بخود نزدیک شوند و برضای الهی قیام نمایند و سبب راحت

و آسایش و سرور و شادمانی عالم انسانی گردند و هر نفسی
 بخواهد در نزد احباء زکری از امور حکومت و دولت
 نماید که ، فلان چنین گفته و فلان چنین کرده آن شخص
 که از احبای الهی است باید در جواب بگوید ما را تعلق
 باین امور نه ما رعیت شهریاری هستیم و در تحت حمایت
 اعلی حضرت پادشاهی ، صلاح و مصلحت خویش خسروان
 دانند و بس علو الخصوص که بنص قاطع الهی
 ممنوع از مداخله و محاوره در امور حکومتیم".
 اوامر و مناهی زیاد است و در اینجا فهرستی
 از بعضی از آنها ذکر می شود :

حرمت قمار ، حرمت تکدی ، حرمت مسکرات و ادویه
 مخدره ، و غیره .

منابع استفاده :

کتاب مستطاب اقدس

الوواح بشارات

" اشراقات

" تجلیات

" کلمات فرد و سیه

" طمیزات

خطابات مبارکه

الوواح وصایا

گرامین تبلیغی

مائدہ آسمانی

بہاء اللہ و عمر جدید

گنجینہ حدود و احکام

مکاتیب حضرت عبد البہاء

حدائق میثاق .

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	بهائی پدنی پیرو حضرت بهاء الله
۲	حضرت باب
۴	حضرت بهاء الله
۵	حضرت عبدالبهاء
۷	ولایت امرالله
۸	ایادی امرالله
۱۰	بیت عدل اعظام
۱۲	مغفل روحانی ملی
۱۴	مغفل روحانی محلی
۱۶	عهد و میثاق
۱۹	تقویم بهائی
۲۰	غیبت ۱۹ روزه
۲۲	ایام متبرکه
۲۵	فرائض و واجبات
۲۵	نماز
۲۷	قیسه
۲۷	تلاوت مناجات و ادعیه و آیات
۲۱	صورت

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۳۰	تبلیغ
۳۱	عضویت جامعه
۳۲	حقوق الله
۳۴	تبرع به صندوق امر
۳۶	حق اظهار نظر
۳۷	مشارکت در انتخابات بهائی
۳۸	مشورت
۴۰	انجمن شور روحانی طی
۴۱	نشریات بهائی
۴۲	معرفی نامه
۴۲	ازدواج
۴۳	طلاق
۴۴	تدفین
۴۵	وصیت نامه
۴۶	بعضی اوامر و نواهی
۴۶	اشتغال بکار و صنعت
۴۶	نظامت
۴۷	تعلیم و تربیت دختران و پسران

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۴۷	معاشرت با جمیع ملل
۴۸	نهی از قتل و زنا و غیبت و افترا
۴۸	عفت و عصمت
۴۹	امانت
۴۹	نهی از نزاع و جدال
۴۹	مواسات
۵۰	راستگویی
۵۶	اطاعت حکومت و عدم مداخله در سیاست
۵۳	منابع استفاده